

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۸/۱۱/۱۱

موضوع: آیا این فراز از دعای ماه رجب، در حق ائمه، غلو نیست؟

(پاسخ به شبهات مهدویت، پردیسان)

فهرست موضوعات سخنرانی:

توضیحی پیرامون «دعای غریق»!

معرفت خداوند، فقط در گرو معرفت امام

توحید غیر از کانال اهل بیت، توحید خدای الآغ سوار است!

شرح حالی عجیب از «مرحوم سید شفتی»!

آیا وجود نص نسبت به ائمه اطهار (علیهم السلام) دلیل بر استبداد است؟

آیا این فراز از دعای ماه رجب، در حق ائمه، غلو نیست؟

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی

رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله

الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و ایام شهادت مظلومانه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان و شیفتگان و دل‌باختگان اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی این بانوی دوسرا سوگند می‌دهم پاداش ما را در این مصائب، فرج موفور السرور مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) قرار بدهد، ان شاءالله.

ما در جلسات گذشته سؤالاتی از ناحیه شما عزیزان داشتیم که بنده آنها را امروز غروب دسته بندی کردم. سؤالات عمدتاً روی سه محور بود.

اکثر سؤالات پیرامون شبهات مهدویت است همانند اینکه قضیه؛ «یأتی بدین جدید و سیف جدید» مراد از این عبارت چیست؟ خروج سفیانی، فلسفه غیبت و علائم ظهور و... یک سری سؤالاتی بود که عزیزان داشتند.

یک سری از سؤالات هم مربوط به «احمد الحسن» یا «احمد اسماعیل» یا به عبارت روشن‌تر «احمد اسرائیل» بود! ما در رابطه با «احمد اسرائیل» مفصل در جمع شما عزیزان صحبت کردیم!

همچنین یک سری سؤالاتی است که در رابطه با بحث اصل امامت مطرح شده است. یک سری سؤالات در رابطه با زیارت رجبیه است که ما می‌خوانیم:

«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَتِهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ فَتَقَهَا وَ رَتَّقَهَا بِدِكَ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۲، ص ۶۶۶، فصل فیما نذکره من الدعوات فی أول

یوم من رجب و کل یوم منه

در مورد امثال این دعاها سؤال کردید که آیا این دعاها در حق ائمه (علیهم السلام) غلو نیست؟ آیا نص بر ائمه اطهار (علیهم السلام) مساوی با استبداد نیست؟

یا اینکه گفتید: "شبهات و انکارها همه مربوط به توحید است. ما به جای پرداختن به بحث‌های امامت و ولایت و مهدویت باید به سراغ توحید برویم."

این‌ها نمونه سؤالاتی بود که عزیزان لطف کرده بودند مرقوم فرموده بودند. حال اگر بتوانیم برخی از این سؤالات را همین امشب پاسخ می‌دهیم و اگر عمر باقی بود و توفیق داشتیم در جلسات بعد هم برای پاسخ به این سؤالات در خدمت عزیزان هستیم.

### توضیحی پیرامون «دعای غریق»!

این عزیزان دلیل آورده بودند که علت اینکه ما باید به توحید پردازیم، دعای «غریق» است. در دعای غریق، بحث معرفت الله مطرح است و مشکل، معرفت امام نیست. حتی معرفت امام هم ناشی از معرفت به خدای پاک است.

اولاً در مورد اینکه دعای غریق سند دارد یا ندارد، کاری با آن نداریم. غالباً کلمه «غریق» مساوی با کلمه «مضطر» است. دعای غریق به معنای دعای مضطر است؛ کسی که دستش از همه جا بریده است. همانند آیه شریفه:

(أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْعَ)

یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد.

سوره نمل (۲۷): آیه ۶۲

ما روایات متعدد در این زمینه داریم. در کتاب «کافی» جلد ۲ صفحه ۲۹۶ این قضیه نقل شده است. در کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» جلد ۲ صفحه ۳۵۱ یا در کتاب «غیبة النعمانی» صفحه ۱۵۹ این روایت آمده است.

اهل سنت هم این دعا را در منابع خود دارند. به عنوان مثال در روایتی از کتب اهل سنت آمده است:

«يأتي عليكم زمان لا ينجو فيه إلا من دعاء دعاء الغريق»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۱، ص

۶۸۷، ج ۱۸۶۹

در اینجا معین نشده است که مراد از دعای غریق چیست. یعنی کسی که در حال غرق است و دستش از همه جا بریده و حالت اضطرار دارد. در این روایت آمده است که در آخر الزمان اگر کسی اینچنین دعا نکند، از فتنه‌های آخر الزمان نجات پیدا نمی‌کند.

در روایت دیگر از امام حسن عسکری داریم که در فتنه آخر الزمان دعا کنید، همانند مادری که تنها فرزندش را جواب کرده‌اند. او تنها چشم امیدش به خداست و می‌سوزند و می‌نالند و گریه می‌کند و با اضطرار دعا می‌کند.

فرمود برای فرج ولی عصر این چنین دعا کنید. اگر این چنین دعا نکنید، دوران غیبت مسیر طبیعی خودش را طی می‌کند. اگر این چنین برای فرج حضرت مهدی دعا کنید، خداوند فرج حضرت مهدی را می‌رساند و تعجیل در فرج می‌کند.

همانگونه که خداوند فرج حضرت موسی را به برکت دعای زنی از بنی اسرائیل نزدیک کرد. زنی در کاخ فرعون خشت و گل بالا می‌برد که در وسط پله‌ها درد زایمان گرفت. او بر زمین نشست، اما شرطه‌ها او را با شلاق زدند و گفتند که اینجا جای کار است جای زایمان نیست. قلب این زن شکست و عرضه داشت: خدایا تا کی ما در غیبت حضرت موسی این چنین زجر و شکنجه تحمل کنیم!

خداوند متعال به برکت دعای این زن، هفتاد سال فرج حضرت موسی را نزدیک کرد و برای نجات بنی اسرائیل آمد. بعضی از عبارتها هم هست که «مرحوم صدوق» در کتاب «کمال الدین» جلد دوم صفحه ۳۵۱ می‌نویسد که از حضرت سؤال می‌کنند: ما چطور دعا کنیم؟ حضرت مصداقی برای دعای غریق معین کرده است که می‌فرماید:

**«يا اللهُ يا رَحْمَانُ يا رَحِيمُ يا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»**

عزیزمان تصور کردند که این دین مساوی با توحید است، در حالی که چنین نیست. دین مساوی با توحید و نبوت و معاد و امامت و نماز است. ما تمام شریعت نبوی را دین می‌نامیم. لذا می‌گوئیم خدایا ما را بر دینت ثابت قدم کن! البته عزیزان این نکته را هم دقت کنند که راوی می‌گوید ما می‌گوییم:

**«يا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ»**

حضرت فرمودند:

**«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»**

خداوند «مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ» هم هست، اما آنچه من می‌گویم را بگویید.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۳۵۲، ح ۵۰

اگر اشتباه نکنم راوی «ابوبصیر اسدی مکفوف» است که خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌رسد. حضرت می‌فرماید: هرکسی بعد از نماز ده مرتبه «یا رب» بگوید، دعایش به اجابت می‌رسد و خداوند دعای او را لبیک می‌گوید.

راوی عرضه می‌دارد: اگر به جای ده مورد، ما پانزده مورد بگوییم چه اشکالی دارد؟ حضرت می‌فرماید: خانه را از خطی که من کشیدم قدم بزن. راوی قدم می‌زند. حضرت می‌فرماید: حال خاک نقطه‌ای که رسیدی را بکن.

راوی خاک آنجا را برمی‌دارد و می‌بیند درّی در زیر خاک بوده است. حضرت فرمود: قدم یازدهم را هم بکن. او آنجا را هم کند و دید هیچ چیزی نیست. حضرت فرمود: قدم نهم را هم بکن. او آنجا را هم کند و هیچ چیزی مشاهده نکرد.

حضرت فرمود: اینکه ما عددی را ذکر می‌کنیم، رمز و رموزی دارد. شما از خودتان اجتهاد نکنید و دقیقاً همان چیزی که ما می‌گوییم را بگویید. در این روایت هم راوی می‌گوید که ما می‌گوییم:

«یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»

حضرت می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۳۵۲، ح ۵۰

حضرت می‌فرماید: آنچه من می‌گویم بگو، نه اضافه کن و نه کم کن. بنابراین فرمایش ائمه اطهار از این جهت است.

### معرفت خداوند، فقط در گرو معرفت امام

عزیزمان تصور کردند که بحث توحید با امامت منافات دارد؛ ما باید امامت را رها کنیم، از توحید شروع کنیم و جلوتر بیاییم.

حال آنکه مشاهده کنید «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «علل الشرایع» تعبیر زیبایی از امام صادق نقل کرده که امام حسین (علیه السلام) به اصحاب خود فرمود:

«مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْتَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ»

مضمون این روایت این است که خداوند عالم خلائق را برای معرفتش خلق کرده است؛

«فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ»

مردی گفت: یا بن رسول الله! پدر و مادرم فدایتان. معرفت الله چیست؟

«قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»

حضرت فرمود: معرفت امام زمان که اطاعت از او واجب است.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۱، ص ۹، ح ۱

ما در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»

هرکسی می‌خواهد به طرف خداوند برود، باید از شما آغاز کند.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۲۹۹، الباب الحادی عشر

«شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» این عبارت را خیلی مفصل آورده است، «شیخ طوسی» این عبارت را آورده است و سنداً هم هیچ مشکلی ندارد.

بازهم در کتاب «کافی» در زیارت مطلقه امام حسین (علیه السلام) وارد شده است. در آنجا آمده است:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ»

تا آخر که می‌فرماید:

«إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيَّبُ إِلَيْكُمْ وَ تَضُرُّ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص

۵۷۶، ح ۲



خلاصه اگر کسی بخواهد به طرف خداوند برود، جز معرفه الإمام و کسب معرفه الله از طریق امام، راهی نیست. امام صادق به «سلمة بن كهیل» که یکی از بزرگان اهل سنت است و شخص همراه او می‌فرماید:

«شَرْقاً أَوْ غَرْباً لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئاً خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»

اگر شرق و غرب عالم را هم زیر پا بگذارید، علم صحیح شریعت را جز از نزد ما نمی‌یابید.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن

الحسن / مصطفوی، حسن، ص ۲۰۹، ح ۳۶۹

توحید غیر از کانال اهل بیت، توحید خدای الاغ سوار است!

نتیجه معرفه الله که از کانال اهل بیت نباشد، خدای الاغ سوار است که هرشب نیمه شب سوار بر الاغ از بالا به پایین می‌آید و همانند دست فروشان دوره گرد صدا می‌زند و گناهان بندگان را می‌خرد.

«مرحوم شیخ مفید» در کتاب «الإفصاح» می‌نویسد که در بغداد بعضی از آقایان اهل سنت، شب‌ها بالای پشت بام

یونجه و گاه می‌ریزند تا اگر خداوند عالم با الاغ خود آمد، در پشت بام آنها اجلال نزول کند و برکتش بیشتر باشد!

«ابن تیمیه» وقتی می‌خواهد خداوند را تعریف کند، می‌گوید: خداوند عالم روی عرش می‌نشیند، اما به قدری وزنش

سنگین است که عرش زوزه می‌کشد و فریاد می‌کند، همانطور که وقتی تازه می‌خواهند سوار یک بچه شتر شوند

ناله می‌کند، عرش هم ناله می‌کند.

او سپس می‌گوید: نکته مهم اینجا است که اگر کسی بخواهد به عظمت خداوند متعال پی ببرد، بداند خداوند وقتی روی عرش می‌نشیند از هر طرف چهار انگشت تا یک وجب بدن خداوند از عرش بیرون است. اگر چنین نباشد از کجا به عظمت خدا پی ببریم!!؟

ببینید توحیدی که از کانال اهل بیت ورود پیدا نکند، چنین است. توحیدی که غیر از کانال اهل بیت باشد، توحیدی است که در قیامت جهنمیان را به جهنم می‌ریزند و جهنم می‌گوید:

«هل من مزید»

بازهم از خلائق درون من بریز.

«حتى يضع رجله أو قال قدمه فيها فتقول قط قط قط»

تا جایی که خداوند عالم پای خود را داخل آتش جهنم می‌گذارد و جهنم می‌گوید: بس، بس، بس!

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ١٤٠٣،

الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ١١، ص ٤٢٣، ح ٢٠٨٩٣

البته این روایت در «صحیح بخاری» هم، در چندین جا ذکر شده است. این توحید غیر از کانال اهل بیت است. حال این موارد نمونه بود و ما صدها مورد از این قضایا داریم.

اگر شما کتاب «صحیح بخاری» جلد اول «کتاب التوحید» را بخوانید، بعد «کتاب التوحید» اثر «شیخ صدوق» و «کلینی» و قسمت اول کتاب «کافی» را بخوانید متوجه خواهید شد آنچه که امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»

یا:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»

کاملاً واضح و روشن است. توحید غیر اهل بیت مساوی با خدای مجسم و خدای جسم است. چنین خدایی نیاز به عرش، نیاز به الاغ و نیاز به حرکت دارد.

اگر خاطر دوستان باشد بنده یک مرتبه در اینجا عرض کردم که یکی از علمای بزرگ سوریه می‌گوید: من شیعه شدم و دلیل شیعه شدن من هم این روایت کتاب «صحیح مسلم» بود که نقل کرده است:

« إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أَوْ ثُلُثَاهُ يَنْزِلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُغْطَى هَلْ مِنْ دَاعٍ يُسْتَجَابُ لَهُ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ حَتَّى يَنْفَجِرَ الصُّبْحُ »

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، ج ۱، ص ۵۲۲، ح ۷۵۸

می‌گوید: خداوند عالم قبل از طلوع فجر بساط خود را جمع می‌کند و به عرش می‌رود، دومرتبه فرداشب برمی‌گردد.

عالم سوری می‌گوید: وقتی که من این روایت را دیدم، فکر کردم و با خود گفتم این روایت با نظریه سابق همانند نظریه «بطلمیوسی» که معتقد بود زمین و آسمان‌های هفت گانه همانند پوست پیاز روی هم هست، قابل تصور بود.

حال که ثابت شده است کره زمین کروی شکل است و به دور خود می‌چرخد و به دور خورشید می‌چرخد، اگر خداوند عالم یک مرتبه روی کره زمین بیاید تا ابد در کره زمین زندانی می‌شود و اینجا باقی می‌ماند؛ مگر اینکه کره زمین را نابود کند.

وقتی که خداوند بخواهند قبل از طلوع فجر بالا برود، هر لحظه‌ای از شبانه روز یک نقطه‌ای از کره زمین طلوع فجر است. به عنوان مثال الآن در این نقطه طلوع فجر است. چند ثانیه بعد در جای دیگر طلوع فجر است. همینطور طلوع فجر در گردش است.

طلوع فجر روی کره زمین در گردش است. خداوند متعال دائماً به دنبال این است که قبل از طلوع فجر بالا برود، اما دیگر نمی‌تواند بالا برود.

من فهمیدم خداشناسی و معرفت الله که برگرفته از تجسیم یهود و نصاری است، به درد نمی‌خورد. من توحید اهل بیت را خواندم و مشاهده کردم توحیدی که قرآن کریم می‌فرماید:

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)

همانند او چیزی نیست.

سوره شوری (۴۲): آیه ۱۱

و:

(وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

و برای او هرگز شبیه و مانندی نبوده است.

## سوره اخلاص (۱۱۲): آیه ۴

همین است.

« کَلِّمًا مَّيْتَزَمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَذَقِّ مَعَانِيهِ مَخْلُوقٍ مَصْنُوعٍ مِثْلَكُم مَّرْدُودٍ إِلَيْكُم »

هرچه در ذهنتان از خداوند تصور کنید، به دلیل اینکه چیزی همانند او نیست مخلوق ذهن شماست و خداوند فراتر از آن است.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۶، ص ۲۹۳

هرچه از عظمت خداوند در ذهنتان تصور کنید، مخلوق ذهن شماست. خداوند عالم هم خالق شماست و هم خالق تصورات ذهن شماست.

(اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ)

خداوند خالق همه چیز است.

## سوره زمر (۳۹): آیه ۶۲

«مرحوم علامه طباطبایی» تعبیری دارد که می‌نویسد: "هرچه در دنیا کلمه (شئیء) بر او اطلاق شود، خالق آن چیز خداست." در یکی از دعاها از ائمه اطهار آمده است.

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٌ وَ لَا فِي الْأَرْضِ عَمْرَاتٌ وَ لَا فِي الشَّجَرِ وَرَقَاتٌ وَ لَا فِي الْأَجْسَامِ حَرَكَاتٌ  
وَ لَا فِي الْعُيُونِ لَحْظَاتٌ وَ لَا فِي الثُّفُوسِ خَطَرَاتٌ إِلَّا وَ هِيَ بِكَ عَارِفَاتٌ وَ لَكَ شَاهِدَاتٌ وَ عَلَيْكَ دَالَّاتٌ وَ فِي  
مُلْكِكَ مُتَخَيِّرَاتٌ»

دعاهای مستجاب؛ ترجمه الکلم الطیب و الغیث الصیب، سید علی خان مدنی شیرازی، با مقدمه دکتر احمد

عابدی، محقق و مترجم: قباد محمدی شیخی، ص ۴۷

در این دعا حضرت می فرماید: حتی لحظه‌هایی که از ذهن شما می‌گذرد و چشم‌های شما که می‌بیند و ورق درختان که حرکت می‌کند، هم معرفت الله دارند و هم در عظمت خداوند حیران و سرگردانند.

«سعدی» در یکی از اشعار خود می‌گوید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

یا:

هر گیاهی که از زمین روید / وحده لا شریک له گوید

شرح حالی عجیب از «مرحوم سید شفتی»!

حالا ما خیلی این اذکار را نمی‌شنویم. در شرح حال «مرحوم سید شفتی» که یکی از علما و مراجع بزرگ است و کتاب اصول مفصلی دارد، جزء مناجاتیان است. ما افرادی همانند «مرحوم سید شفتی» کمتر دیدیم.

در شرح حال او نقل شده است که او نیمه شب مشغول عبادت می‌شد و تا اذان صبح همچنان سرگرم عبادت بود.

نقل شده است ایشان وقتی نماز صبح می‌خواند، از شدت گریه، شانه‌هایش حرکت می‌کرد و بغض گلویش را می‌گرفت و نمی‌توانست کلمات را خوب ادا کند. کلمات را چند بار تکرار می‌کرد تا کلمات نماز را درست ادا کند. ایشان به قدری از خوف خداوند گریه کرده بود که پلک چشمانش زخم شده بود.

روزی شخصی آمد و گفت: فلان طلبه می‌گوید من شب دیدم از در و دیوار مدرسه صدای «سبوح قدوس، رب الملائكة و الروح» می‌آید. خیلی تعجب کردم، بیرون آمدم و دیدم «مرحوم سید» در سجده این ذکر را می‌گوید. من به «سید شفتی» گفتم: طلبه‌ای قضیه را این چنین نقل کرده است. ایشان گفت: اینکه در و دیوار به تسبیح من، تسبیح بگویند مهم نیست. مهم این است که این طلبه از کجا چشم برزخی پیدا کرده و صدای «سبوح قدوس» در و دیوار را متوجه شده است.

### آیا وجود نص نسبت به ائمه اطهار (علیهم السلام) دلیل بر استبداد است؟

سؤال بعدی که عزیزان پرسیدند این است که آیا نص نسبت به ائمه اطهار (علیهم السلام) دلیل بر استبداد نیست؟ ما از این عزیزان سؤال می‌کنیم؛ خداوند فرمود:

( اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رَسُولَهُ )

خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد

سوره انعام (۶): آیه ۱۲۴

ابتدا شما در رابطه با رسالت به سؤالاتی پاسخ بدهید. آیا رسالت و انتخاب پیغمبر اکرم دست مردم است یا دست خداوند است؟ حال ما کاری به فلسفه بعثت انبیاء نداریم. فرمود:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد.

سوره توبه (۹): آیه ۳۳

یا:

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ)

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت.

سوره جمعه (۶۲): آیه ۲

همین پیغمبری که می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ) در بیش از پنجاه روایت، که غالب روایات هم صحیح است این قضیه «نصب» را فرموده است.

در کتاب «کمال الدین» تعبیری در این زمینه آمده است. ما این عبارات را شاید از پنجاه روایت آوردیم. امیرالمؤمنین فرمود:

«فَتَضَبَّنِي لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خُمٍ»

پیغمبر اکرم مرا در غدیر خم نصب کرده است.

کدام پیغمبر؟ همان پیغمبری که:

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ)



در ادامه روایت فوق، رسول گرامی اسلام در خطبه غدیر می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَنْصِبَ لَكُمْ إِمَامَكُمْ وَ الْقَائِمَ فِيكُمْ بَعْدِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي»

ای مردم! خداوند به من امر فرموده است که امام شما و رهبر بعد از خودم و وصی و خلیفه‌ام را نصب کنم.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص

۲۷۶ و ۲۷۷، ح ۲۵

همچنین در کتاب «تفسیر قمی» که بنا به نظر آیت الله العظمی خوئی تمام روایات آن ثقة است، وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«وَ نَصَبْتُهُ لَهُمْ عَلَمًا فِي حَيَاتِي»

علی را من در زمان حیاتم نصب کردم.

«وَ دَعَوْتُهُمْ إِلَيَّ طَاعَتِهِ وَ جَعَلْتُهُ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ الْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

تفسیر القمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۱، ص ۱۹۳، باب

۵ سورة المائدة مدنية و هی مائة و عشرون آية ۱۲۰

ما بیش از پنجاه روایت از ائمه اطهار و نبی گرامی اسلام داریم که کلمه «نَصَبَ»، «نَصَبْتُهُ»، «نَصَبْنِي» و «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَنْصِبَ لَكُمْ» در آن وارد شده است.

حال بعضی آقایانی که به سمت وهابیت تمایل دارند یا می‌خواهند چیز جدیدی را در میان حوزویان ما ارائه کنند،

ادعا می‌کنند که ما نسبت به ائمه اطهار کلمه «نَصَبَ» نداریم و اینها برداشت خود روایات است!

ان شاء الله امیدواریم در محکمه عدل الهی، جایی که دشمنان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را محاکمه می‌کنند، شما را هم ببینیم که در برابر حرفتان چه پاسخی دارید!

ما با این شخص یک ماه قبل در اصفهان مناظره شش ساعته داشتیم. من به ایشان گفتم: این که شما ادعا می‌کنیم ما دلیلی بر نصب نداریم، روایات را دیدید و بررسی کردید؟ او گفت: نه، برداشت من و حدس من این است.

من گفتم: برداشت و حدس شما همان حدس ابوبکر و عمر بن خطاب است که ادعا می‌کردند

«أَقُولُ فِيهَا بِرَأْيِي»

هرآنچه هوای نفسم بخواهد می‌گویم.

«فان يك خطأ فمئتي ومن الشيطان»

اگر آنچه گفتم اشتباه بود از من و شیطان است.

«وان يك صواباً فمئنت بالله»

اگر آنچه گفتم درست بود، از خداست.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

مصر، ج ٤، ص ٢٧٩، ح ١٨٤٨٣

ابوبکر و عمر بن خطاب هردو این ادعا را مطرح کرده‌اند. من به آقای «عابدینی» گفتم: حرف شما ادعای تازه‌ای

نیست، بلکه همان حرفی است که ابوبکر و عمر بن خطاب هزار و چهارصد سال قبل گفته‌اند!!

آیا این فراز از دعای ماه رجب، در حق ائمه، غلو نیست؟!

عزیز دیگری سؤال پرسیدند: آیا می‌توان علت تأثیر پذیری مردم و بعضی از خواص از فرقه های باطل را عدم معرفی صحیح امام معصوم و امامت دانست؟ ایشان سپس دعای:

«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۲، ص ۶۴۶، فصل فیما نذکره من الدعوات فی أول

یوم من رجب و کل یوم منه

را مطرح کرده و نوشته است: اگر این غلو نیست، پس غلو دیگر چه معنایی دارد؟

بنده در این زمینه خیلی حرف برای گفتن دارم. اولاً:

«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ فَتَقَهَا وَ رَتَّقَهَا بِبِدِكَ»

در بعضی از دعاها از حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است. حال در مورد اینکه این دعا سنداً مشکلی دارد یا ندارد، بنده با این قضیه خیلی زیاد کاری ندارم.

آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) همین دعا را در کتاب «معجم رجال الحدیث» می‌آورد که در شرح حال «خیر بن عبدالله» است.

ایشان می‌نویسد: این شخص توقیعی از «محمد بن عثمان» نقل می‌کند که «شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهدد» در اعمال شهر رجب آورده است. آیت الله العظمی خوئی در مورد «خیر بن عبدالله» می‌گوید:

«هو مجهول الحال»

اولاً «خیر بن عبدالله» مجهول الحال است و ما هم فرمایش ایشان را قبول داریم. بعد می گوید:

«وابن عیاش ضعیف»

معجم رجال الحدیث، نویسنده: السید الخوئی، ج ۸، ص ۸۷، ح ۴۳۵۹

اما ما این فرمایش ایشان را قبول نداریم. شک و ریبی نیست که «أبان بن عیاش» ثقة است، و یا علی الأقل حسن است.

«مرحوم نوری» در کتاب «مستدرک» حدود سه چهار صفحه در مورد «أبان بن أبی عیاش» فرمایشی دارد. «مرحوم تستری» در کتاب «قاموس الرجال»، «مرحوم نمازی» در کتاب «مستدرکات علم رجال الحدیث» و «مرحوم شیخ موسی زنجانی» در کتاب «الجامع فی الرجال» در خصوص او مطالبی نقل کرده است. ما ادله متعدد بر وثاقت یا حسن حال «أبان بن أبی عیاش» داریم.

اضافه بر اینکه عبارت صریحی از امام باقر (علیه السلام) در صحت سند کتاب «سلیم بن قیس هلالی» داریم که تنها راوی آن شاید «أبان بن أبی عیاش» باشد.

البته آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) هم در بحث «سلیم بن قیس» مطالبی نقل کرده و خوب و جانانه از او دفاع کرده است. من ندیدم هیچ کدام از فقهای معاصر ما، نسبت به کتاب «سلیم بن قیس» همانند آیت الله العظمی خوئی دفاع کند.

آیت الله العظمی خوئی در چهار پنج صفحه تمام اشکالاتی که به کتاب «سلیم بن قیس» گرفتند را جواب داده است. مثل اینکه "موضوع است"، "قضیه «محمد بن أبی بکر» را مطرح کرده است" حال آنکه او در آن زمان یا به دنیا نیامده بود و یا دو سه ساله بود. "ائمہ اطهار سیزده نفر هستند" و...

آیت الله العظمی خوئی به تمامی این ادعاها جانانه جواب داده است. بنده هرگاه جوابهای محکم آیت الله العظمی خوئی را میخوانم، لذت می برم.

البته نکته‌ای به محضر این بزرگواران باید عرض کنیم. البته خود بزرگواران به ما یاد دادند که در کلمات ما مناقشه کنید. ایشان در انتها می‌نویسد: طریق شیخ به کتاب «سلیم» دو طریق است؛

«أن للشيخ إلى كتاب سلیم طریقین... کیفما کان فطریق الشیخ إلى کتاب سلیم بن قیس بکلا سندیه  
ضعیف»

معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة؛ للامام الأكبر زعیم الحوزات العلمیة السید أبو القاسم الموسوی  
الخوئی قدس سره الشریف، الطبعة الخامسة، طبعة منقحة ومزیدة، السنة ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۲ م؛ ج ۹، ص ۲۳۰  
و ۲۳۷

ما خاک قبر این بزرگوار را می‌بوسیم، آن را طوطیای چشممان قرار می‌دهیم و خدمت این بزرگوار عرضه می‌داریم؛  
ما برای کتاب «سلیم بن قیس» چهار طریق داریم، نه دو طریق. دو طریق اگر ضعیف هست، دو طریق دیگر صحیح  
است.

ثانیاً: اگر چهار طریق هم ضعیف باشد، مبنای شما جناب آقای خوئی این است که اگر یک روایت ضعیف از سه  
تجاوز کرد، مستفیض است و روایت مستفیض هم احتیاج به بررسی سندی ندارد. شما در کتابهای فقهی خود  
چندین مورد فرمودید:

« إن ما تقدم من الروایات وإن كانت كلها ضعيفة السند، إلا أنها مستفیضة »

به دلیل اینکه روایت مستفیض است، ما نیاز به بررسی سندی نداریم.

معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة؛ للامام الأكبر زعيم الحوزات العلمية السيد أبو القاسم الموسوي

الخوانساري قدس سره الشريف، الطبعة الخامسة، طبعة منقحة ومزودة، السنة ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م؛ ج ١٤، ص ١٠٠

بنده خواستم عزیزان این نکته را در رابطه با کتاب «سليم بن قيس» داشته باشند. همین آیت الله العظمی خوانساری در

یکی از آخرین کتابهای خود به نام «صراط النجاة» که «شیخ جواد تبریزی» هم به آن تعلیقه زده است.

در جلد ٣ صفحه ٣١٨ سؤال ٩٩٣ از آقای خوانساری می پرسند:

«ما معنى العبارة الواردة فى دعاء رجب اليومى (لا فرق بينك وبينها إلا أنهم عبادك)؟»

ایشان در جواب می نویسد:

«لعلها تشير إلى أنهم مع بلوغهم فى مرتبة الكمال إلى حد نفوذ التصرف منهم فى الكون يا ذنك»

آنها در مرتبه کمال به جایی رسیدند که در تمام هستی به اذن خداوند تصرف می کنند.

«فهم مقهورون لك لأنهم مربوبون لك»

آنها همگی مقهور تو هستند. آنها همگی مربوب تو هستند.

«لا حيلة لهم دون إرادتك ومشيتك فيهم بما تشاء»

جز اراده و مشیت تو آنها اراده و مشیتی ندارند.

«والله العالم»

صراط النجاة في أجوبة الاستفتاءات؛ لسماحة آية الله العظمى أستاذ الفقهاء والمجتهدين السيد أبو القاسم

الموسوي الخوئي ( قدس سره )؛ مع تعليقات وملحق لسماحة آية الله العظمى، الميرزا الشيخ جواد

التبريزي، ج ٣، ص ٣١٨، ح ٩٩٣

همین بزرگوار در بحث ولایت تکوینی ائمه اطهار (علیهم السلام) تعبیر زیبایی دارد که تقاضا دارم عزیزان به آن دقت

کنند. ایشان در کتاب «مصباح الفقاهة» می نویسد:

«فالظاهر أنه لا شبهة في ولايتهم على المخلوق بأجمعهم»

ظاهر قضیه این است که در ولایت ائمه اطهار بر جمیع مخلوقات هیچ شبهه‌ای نیست.

می گوید: «على المخلوق بأجمعهم» یعنی نه بر بشر فقط! بلکه بر تمام مخلوقات. جن و انس و آسمان و زمین و

عرش و فرش و ملک و... سپس می نویسد:

«وهم الواسطة في الإفاضة»

ائمه اطهار واسطه فیض الهی هستند.

«بل لهم الولاية التكوينية لما دون الخالق»

مصباح الفقاهة في المعاملات؛ تقریراً لأبحاث الأستاذ الأعظم سماحة آية الله العظمى السيد أبو القاسم

الموسوي الخوئي قدس سره؛ « ١٣١٧ - ١٤١٣ هـ تألیف: آية الله الشيخ ميرزا محمد علي التوحیدی

التبريزي (قدس سره)، ج ٣، ص ٢٧٩، ح ١

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! همین تعبیر از آیت الله میلانی و «محقق نائینی» و «مرحوم اصفهانی» و «علامه حلی» و «شیخ انصاری» و «صاحب کفایه» دارد. بنده تمامی این فرمایشات را روی بحثی که داشتیم جمع کردم.

جالب اینجاست که حضرت امام خمینی پرده را بالا زده و از فرمایشات آیت الله العظمی خوئی هم فراتر رفته است. ایشان می‌نویسد:

«فهم من قبل الله ملاک التصرف فی کلّ شیء وإن كانت الأموال لصاحبها»

ائمه اطهار به هر آنچه از ذهن شما می‌گذرد هم صاحب تصرف هستند.

«وهذه ولاية عامة کلیة بالنسبة إلى جميع الموجودات»

کتاب البیع، نویسنده: السید الخمینی، ج ۳، ص ۲۱، باب حکم بیع الأراضی المفتوحة عنوة

ایشان در کتاب دیگر، ذیل فرمایش امام رضا (علیه السلام) که می‌فرماید: ملائکة الهی خدام ما هستند، می‌نویسد:

«وفی هذه الفقرة بیان وساطتهم بحسب أصل الوجود»

این عبارت نشان می‌دهد که ائمه اطهار واسطه اصل وجود هستند.

مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، نویسنده: السید الخمینی، ص ۷۸، باب مطلع ۱۳

امام خمینی در کتاب «شرح دعای سحر» ذیل مناجات:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَ كُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٍ»



إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۳۴، فصل فیما نذکره من ترتیب نافله شهر

رمضان بعد العشاء الآخرة و ادعيتها فی کل لیلۃ

عبارتی آورده‌اند. من دست دوستان را می‌بوسم و از آنها تقاضا می‌کنم که این کتاب را اگر ندارید تهیه کنید یا از اینترنت دانلود کنید. به نظر بنده خواندن این کتاب برای یک طلبه از اوجب واجبات است.

امام خمینی تعبیری دارد و می‌فرماید: بیشتر مواقع، ائمه اطهار معارف توحیدی و مقامات خود را در قالب حدیث نمی‌توانستند بیان کنند، بلکه در قالب دعا و مناجات بیان کردند.

بنده شاید این را بیش از دویست و پنجاه یا سیصد بار خوانده‌ام. خداوند می‌داند هرگاه این کتاب را می‌خوانم، نورانیت جدیدی در روحم ایجاد می‌شود. هرگاه چندین صفحه از این کتاب را می‌خوانم، نماز و عبادتم یکی دو هفته حال دیگری پیدا می‌کند.

دوستان می‌توانند کتاب «شرح دعای سحر» انتشارات امام خمینی واقع در کوچه ممتاز یا نشر آثار امام خمینی تهیه کنند. دوستان همچنین می‌توانند این کتاب را دانلود کنند و در گوشی موبایلشان داشته باشند.

هر روز صبح قبل از نماز شب، چندین صفحه از این کتاب را بخوانید، سپس ببینید نمازتان چه حالی پیدا می‌کند. اگر حالتان در نماز دگرگون شد ما را هم دعا کنید. امام خمینی ذیل مناجات:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَ كُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٍ»

طوفان به پا می‌کند. ایشان روایت تفویض را مطرح می‌کند که می‌فرماید:

«ان الله أدب نبيه فأحسن تأديبه ثم فوض إليه أمر دینه»

تا جایی که امام می فرماید:

«كلما فوض الله إلى نبيه قد فوض إلى علي (عليه السلام) و كلما فوض إلى علي قد فوض إلينا»

در ادامه می فرماید:

«ان الله خلق الأشياء بالمشية دون مشية أخرى»

خداوند عالم همه هستی را با مشیت آفرید. یعنی مشیت، مخلوق بلاواسطه خداوند است و دیگر خلائق، مخلوق مشیت هستند به اذن الله. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«نحن مشية الله»

مستدرک سفینه البحار؛ المؤلف: العلامة آية الله الشيخ علي النمازي؛ ج ۶، ص ۹۹، باب القضاء والقدر  
والمشيئة

یا:

«قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيئَةِ اللَّهِ»

دلائل الإمامة، نویسنده: طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق / مصحح: قسم الدراسات

الإسلامية مؤسسة البعثة، ص ۵۰۶، ح ۹۵

«ابن ابی الحديد» جمله زیبایی دارد که می نویسد: اگر نبود فلسفه خلقت معاویه، غیر از اینکه باعث شد

امیرالمؤمنین در نامه خود، پرده از روی حقیقت برداشت کافی است. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در یکی از

فرمایشات خود می فرماید:

«وَنَحْنُ صَانِعٌ رَبُّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَانِعُنَا»

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۲،

ص ۴۶۷، باب احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليه و على آبائه الطاهرين

در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! حال کسانی که توحید و مقام ائمه اطهار را خوب متوجه نشدند، می گویند این عبارات غلو است. نه، این فرمایشات عین توحید است! همانطور که خداوند عالم در یک جا می فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می کند.

سوره زمر (۳۹): آیه ۴۲

در جای دیگر می فرماید:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می گیرد.

سوره سجده (۳۲): آیه ۱۱

اگر این دو آیه برای ما روشن شود، قطعاً مقامات ائمه اطهار برای ما واضح می شود. ما قدری در آیات قرآن کریم مشکل داریم. آیاتی که در یک جا امری را به خدا نسبت می دهد،

(رَبِّي الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ)

پروردگاری که زنده می کند و می میراند.

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۸

در جای دیگر از قول حضرت عیسی می فرماید:

(وَ أُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ)

و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم.

همو که می فرماید: من خالق تمام هستی هستم؛ در جای دیگر دارد که:

(أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ)

من از گل، چیزی به شکل پرنده می سازم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۴۹

اگر این قضایا خوب برایمان جا بیفتد، مسائل دیگر هم حل خواهد شد. خداوند عالم در جایی امری را به صورت مستقیم به خود نسبت می دهد، یک جا به ملائکه نسبت می دهد و در جایی به دیگر گردانندگان هستی نسبت می دهد.

هیچ فرقی نمی کند؛ همه مال خداوند است، همه به ارادة الله است و همگی به مشیة الله است. علوم اهل بیت، قدرت اهل بیت، تصرفات اهل بیت در عالم هستی همه و همه به اذن الله است.

این قضیه را هم عرض کنم و بحث را تمام کنم. امام ذیل فرمایش:

«وفى هذه الفقرة بيان وساطتهم بحسب أصل الوجود»

طوفان به پا کرده می فرماید:

«وكونهم مظهر الرحمة الرحمانية التي هي مفيض أصل الوجود بل بحسب مقام الولاية هم الرحمة الرحمانية

بل هم الاسم الأعظم الذي كان «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» تابعين له»

مصباح الهداية إلى الخلافة والولاية؛ مؤلف: امام خميني - تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ص

۷۸

امام صادق فرمود:

«نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الاسلامیة، ج ۱، ص ۱۴۴، بَابُ التَّوَادِرِ، ح ۴

اینجا هم ایشان می فرماید:

«بل هم الاسم الأعظم الذي كان «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» تابعين له»

ایشان فرمایشات مفصل دیگری هم در این زمینه دارد. دوستان کتاب «مصباح الهداية» را مطالعه کنند که امام

خمینی روایت رضوی را شرح می کند. بنده معتقدم اگر دوستان نسخه عربی این کتاب را مطالعه کنند، بهتر از

فارسی است.

کسی که این کتاب را شرح کرده است، طوری شرح کرده که شرح ایشان هم احتیاج به شرح دیگری دارد و ترجمه ایشان احتیاج به ترجمه دیگری دارد.

امام خمینی از صفحه ۱۳۰ تا صفحه ۱۴۵ در رابطه با کلمات امام رضا از امیرالمؤمنین و نبی گرامی اسلام توضیح جانانه‌ای داده است.

خدایا تو را به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم فرج فرزند حضرت فاطمه زهرا، حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا فداه) را نزدیک بگردان.

خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکاب حضرت ولی عصر قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقية الله الأعظم متصل نما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن در هر لباس و منصبی هستند، بالأخص مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا رفع گرفتاری از همه مخصوصاً جمع حاضر ما بفرما. خدایا به آبروی حضرت زهرا، مرضیه حوائج همه و حوائج جمع ما برآورده نما. خدایا دعاهای ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین و صالحین بالأخص امام راحل صلوات ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته